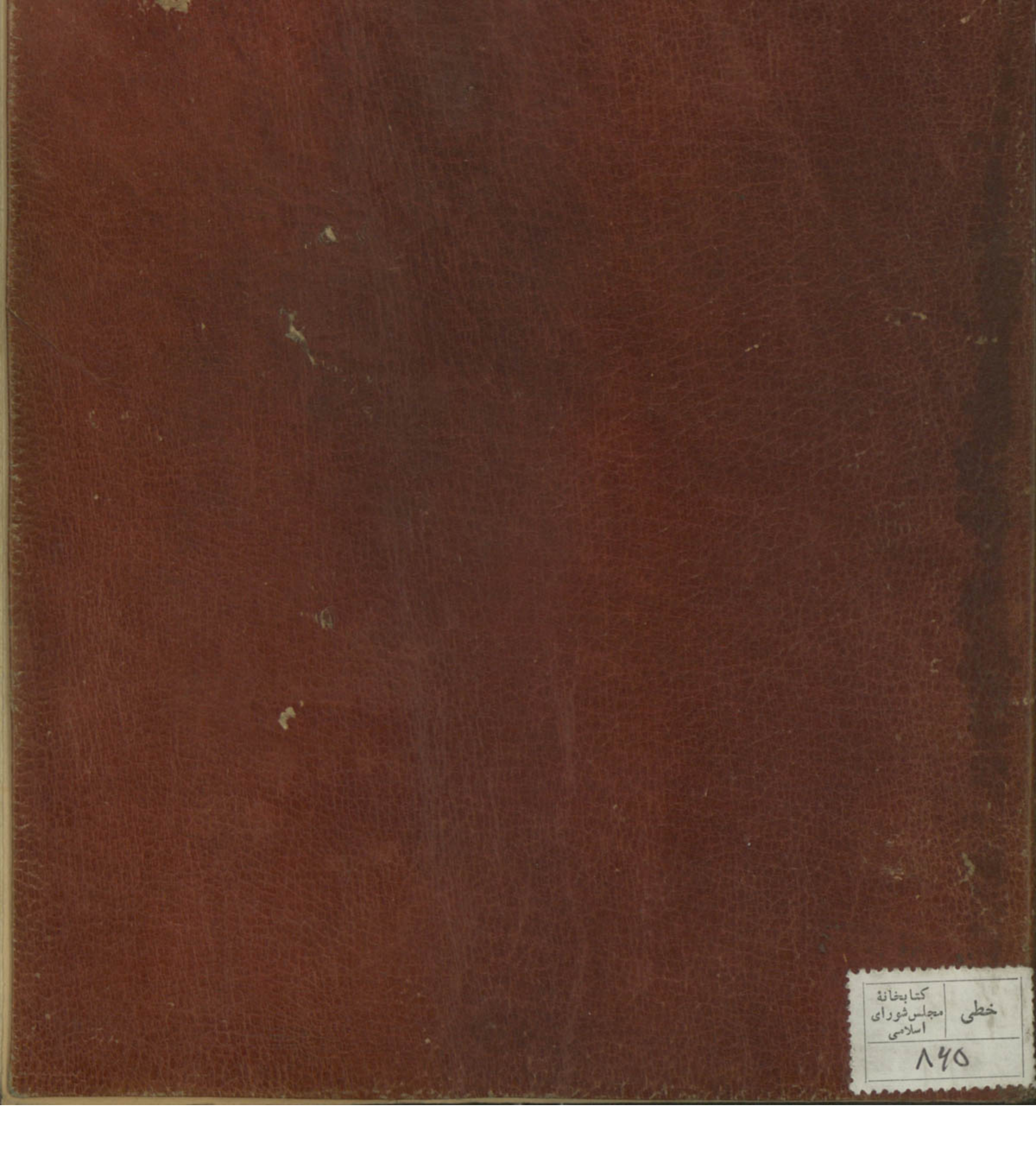
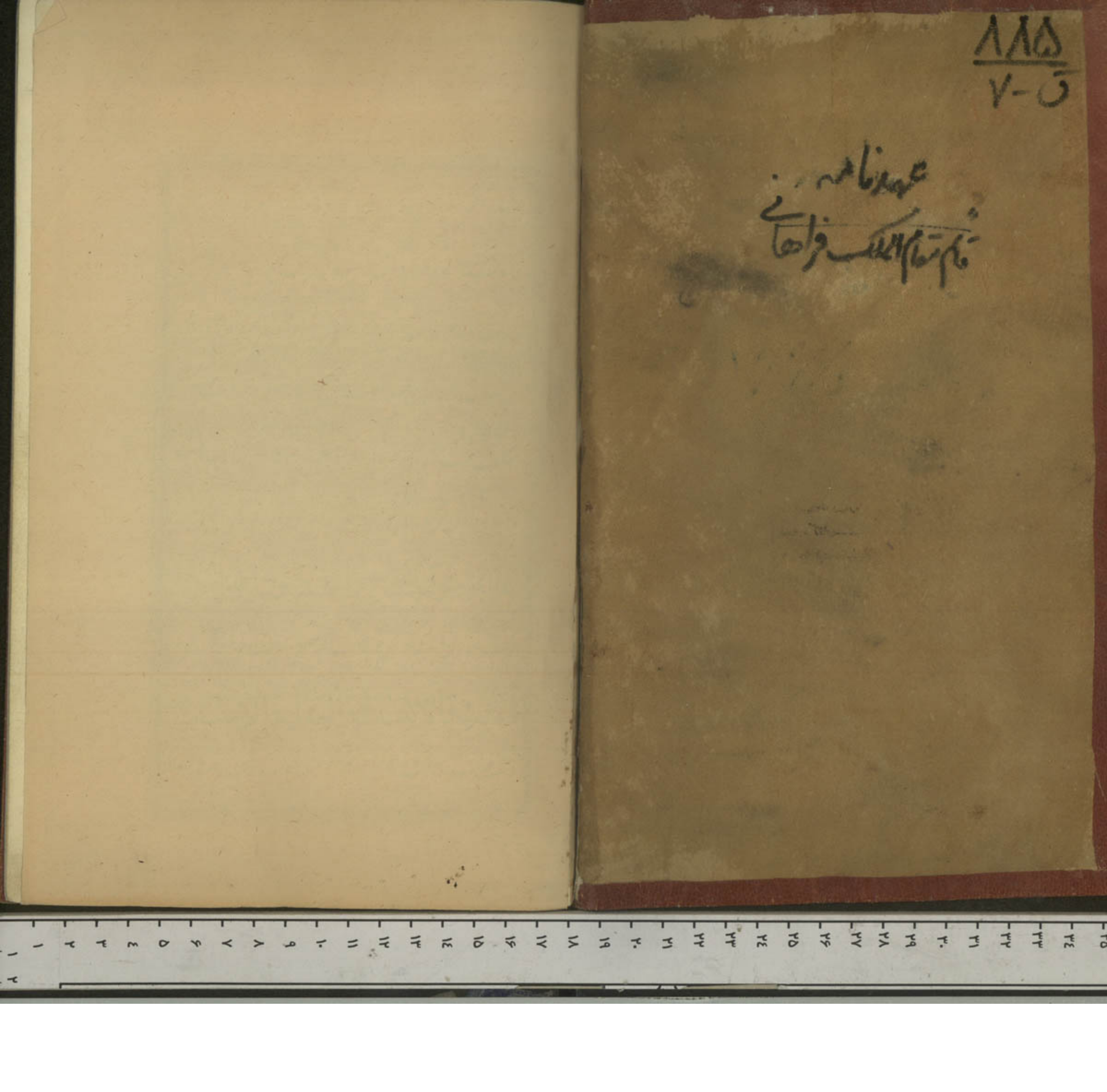
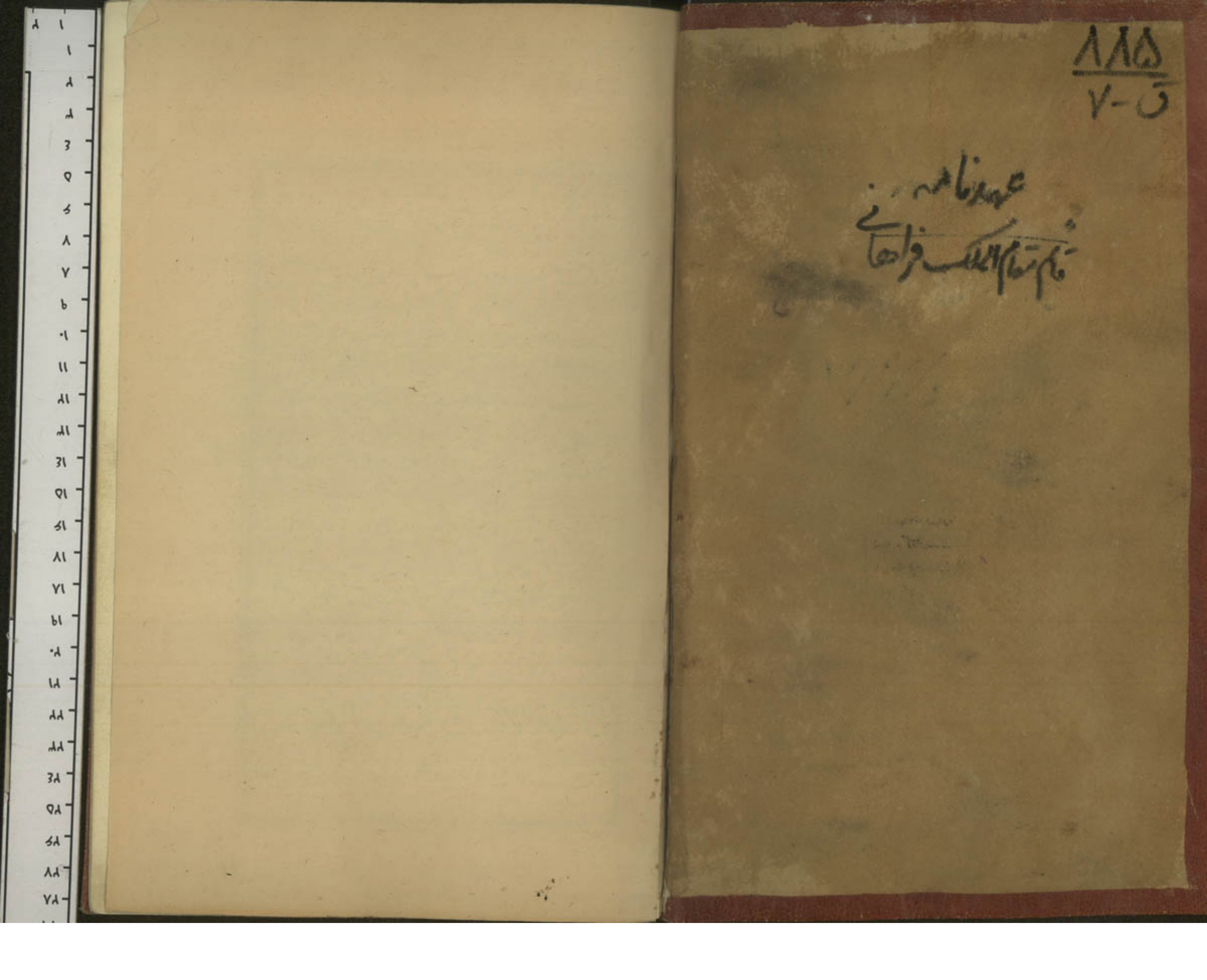
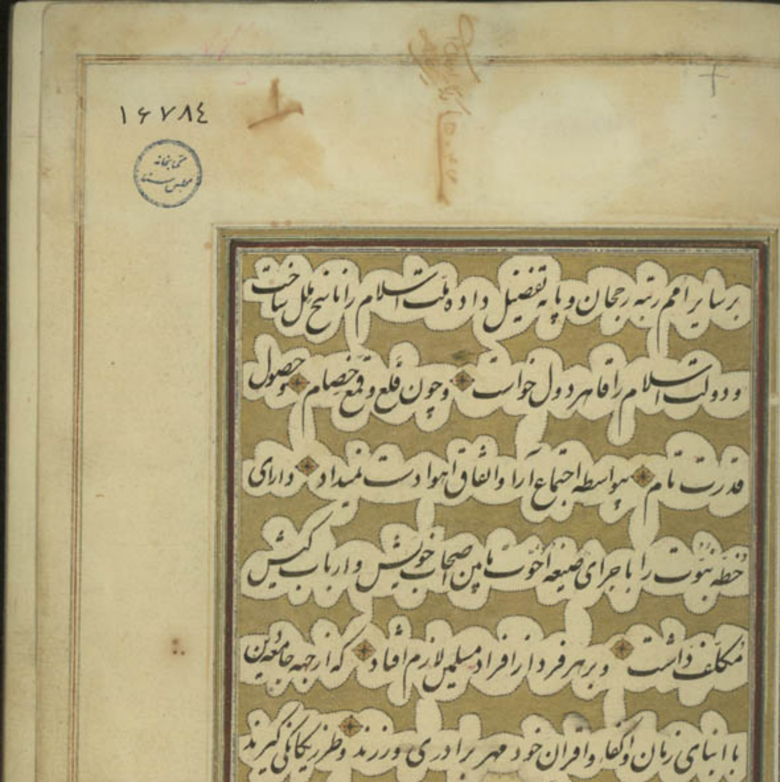

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۸۶۵


۸۸۵
ق-۷
عهدنامه
قائم مقام الملک فراهانی



۸۸۵
ق-۷
عهدنامه
قائم مقام الملک فراهانی



بر سایر امم رتبه رجحان و پایه تفضیل داده ملت اسلام را ناسخ ملل سابقه

و دولت اسلام را قاهر دول حوادث و چون قلع و قمع خصام حصول

قدرت تام بواسطه اجتماع آرا و اتفاق اهوا دست تمداد دارای

خطه نبوت را باجرای صیغه اخوت مابین اصحاب خویش و ارباب کیش

مکلف داشت و بر هر فرد از افراد مسلمین لازم افتاد که از جهه جامعین

با ابنای زمان و اکفا و اقران خود مهر برادری ورزند و طریق یگانگی گیرند

اِنَّمَا المُؤمِنُونَ اِخوَةٌ وَلَنَا فِی رَسُولِ اللّٰهِ اُسوَةٌ

نواب همایون ما نیز که درین عهد بهجت انگیز بفضل و عون خداوند عزیز

بالاَرثِ وَالاِکتِسابِ وَالعَدلِ وَالاِحتِسابِ

دست قدرت بر ممالک توران و عجم گشاده ایم و پای شوکت بر تخت کسری و جم نهاده

با حضرت اعلی رتبت اسنی حشمت پادشاه مجاهد غازی مروج دین آیین
تازی مؤید بخت مشید تخت معظم قدر منظم امر ملکی الذات ملکی الصفات
سلطان البحرین و خاقان البرین خادم الحرمین الشریفین [illegible]
دامت شوکته و علت همته که صنو صمیم و کفو کریم بود عقد
اخوت بخیر و سعادت بستیم و بدین واسطه پشت دشمنان دین و قلب
جمیع معاندین را درهم شکستیم یک چند ابواب مهر و الفت از هر
دو حضرت باز بود و دیار اسلام و ایمان بمزید امن و امان مخصوص
و ممتاز یکچند نیز اساس ائتلاف و استیناس را از چشم
زخم زمان زیان رسید و بر حسب اتفاق در حدود مملکتین
غایله نفاق پدید آمد نواب همایون ما حرب و نزاع

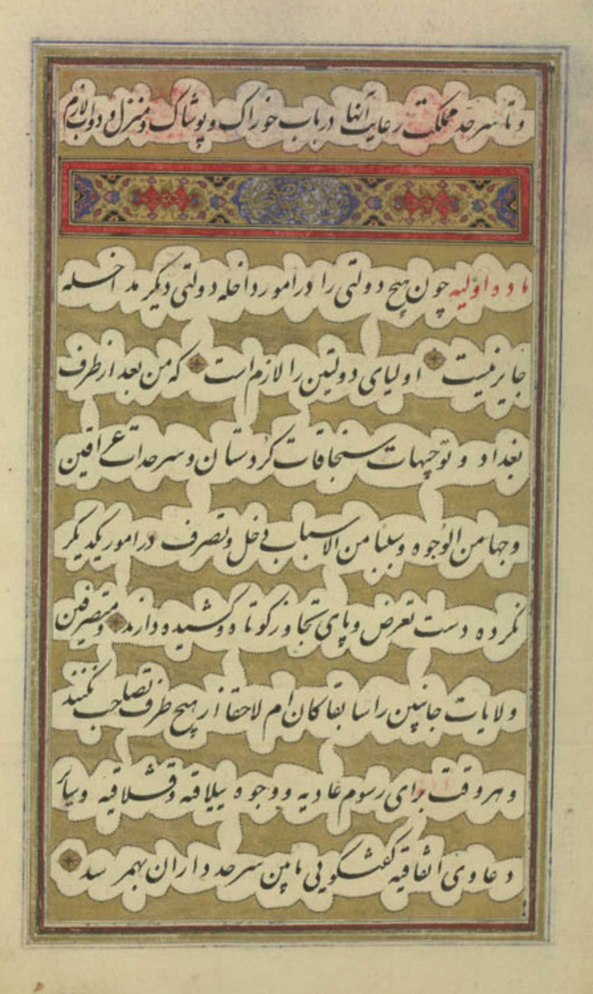
معاشر اسلام را مخالف رای سدید امام دیده دوستی
برادر تاجور را از هر گونه ملک و مال و کشور بهتر و برتر
گرفتیم و در اول سال فرخنده فال قوی ییل خیریت
تحویل فرزند اسعد کامکار ولیعهد دولت پایدار نایب
السلطنه العلیه العالیه عباس میرزا را که حفظ ثغور و ستور
مملکت و ضبط و نظام مهام ابد دولت غالب بحکم ولایت
عهد و نیابت کل در عهده کفالت و کفایت اوست
برفع مواد مکاوحت و بسط بساط مصالحت عز وکالت
مطلقه و اذن و اجازت محققه دادیم و عالیجاه
مقرب الخاقان میرزا محمد علی مستوفی از قبل فرزند معزی الیه

با جناب مجدت نصاب محمد امین رئوف پاشا سر عسکر
جانب شرق در کار مسالمه مکالمه نموده بتاریخ نوزدهم
ذی قعدة الحرام در مدینه ارزنة الروم قرار
دادند و فصولی نوشتند که چون بمهر مبارک و خط
همایون خسروان حکم قالب بی روان داشت
و محل اعتماد و موقع استناد نمی یافت اصول
معدوده و فصول معهوده را بطرزی که در ذیل
این کتاب مرقوم و بخاتم مستطاب مختوم است
از روی کمال میل و رضا بعز قبول و امضا مقرون
داشتیم و تفصیل اساس و شروط و مواد بدینموال است

مبنای این معاهده مبارکه بر حدود قدیمه و عهود سابقه است در تاریخ
هزار و صد و پنجاه و نه هجری موافق عهدنامه تجدید عهود الفت شده
و درین تاریخ که هزار و دویست و سی و نه است تاکید شروط
مودت میشود و مواد مقبوله مسلمه پادشاهان در دو دولت
ابدمدت باقی و مرعی و معتبر است و اعم از امر حجاج و زوار
و قوافل و تجار و اطلاق اسرا و ارسال سفرا و اقامت وکلا
و رد فراری و ماده رضیه و غیر ذلک وجها من الوجوه
خللی عارض ارکان آن نیست و بعون الله تعالی همواره شرایط
دوستی و ولا مابین دولتین علیتین دایر و در کار و باقی و برقرار خواهد بود



اولا از حال التحریر که عاشر شهر ربیع الثانی و اول امضای معاهدات
سلطانی است حسام خلاف از هر دو طرف در غلاف باشد و امری
که بمعنی و صورت موهم برودت و کدورت شود عمداً و علماً از هیچ
جانب ظاهر و باهر نشود ثانیا قلاع و اراضی و قضا و قصبات
و قرا که سابقا داخل حدود قدیمه بوده و سرحدداران
دولتین برخلاف حق تصرف نموده باشند ای وقت
کان و ای وجه کان تا وقت ورود سفرای حضرتین بپایه
تخت دولتین تمام و کمال بهیات حال رد شود ثالثا اطلاق
اسرا بر وفق شریعت غرا بلا کتم و اخفا واجب است



و تا سرحد مملکت رعایت آنها در باب خوراک و پوشاک و منزل و دواب لازم

ماده اولیه چون هیچ دولتی را در امور داخله دولتی دیگر مداخله
جایز نیست اولیای دولتین را لازم است که من بعد از طرف
بغداد و توجیهات سنجاقات کردستان و سرحدات عراقین
وجها من الوجوه و سببا من الاسباب دخل و تصرف در امور یکدیگر
نکرده دست تعرض و پای تجاوز کوتاه و کشیده دارند و متصرفین
ولایات جانبین را سابقا کان ام لاحقا از هیچ طرف تصاحب نکنند
و هر وقت برای رسوم عادیه و وجوه ییلاقیه و قشلاقیه و بیار
دعاوی اتفاقیه گفتگویی مابین سرحدداران بهم رسد

ولیعهد دولت قاهره ایرانیه نایب السلطنة العلیه العالیه با وزیر بغداد
مخابره نموده بامری که خلاف عادت و معمول و مایه نزاع دو دولت
ابد مشمول باشد تجویز نمایند و وقوع نیابد **مادّه ثانیه** چون اعزاز و اکرام
حجاج بیت الله الحرام لازم است در مکه مقدسه معظمه و مدینه منوره مطهره
و مصر و شام و سایر بلاد اسلام با اهل مملکت ایران مثل اهالی ممالک
آل عثمان بی توفیر و تغییر بالمجامله معامله کنند ✦ و دورمه و باج از طایفه
حاج نخواهند ✦ و امرای حاج و وزرای عظام و میرمیرانهای کرام
و سایر ضابطان و حکام موافق شروط قدیمه در منازل و مراحل ذهابا
و ایابا رعایت و حمایت اهل ایران را منظور دارند ✦ و امنای صره
همایون بخصوصه ناظر و مراقب باشند که از شام الی حرمین و از حرمین

الی شام خلاف این شرایط نسبت بمعاشر اعجام نشود ✦ و هر جا نزاعی
اتفاق افتد بنظارت امنای صره و معرف معتمدی که در میان حاج
ایران خواهد بود قطع و فصل یابد ✦ و هر یک از حجاج بیت الله و زوار
عتبات عالیات که مال التجاره در دست نداشته باشند مطالبه باج
و گمرک از آنها نشود و هر یک داشته باشند زیادتی بآنها واقع نگردد
و هرگاه کسی از اقارب سلطان و اعالی ایران قصد حج و عزم زیارت کند
از جانب دولت علیه عثمانیه اعزاز و اکرامی که شایسته رتبه و فراخور
حال اوست بعمل آید ✦ **مادّه ثالثه** عشایر سیپکی و حیدرانلو که منشأ
نزاع و جدال این دو دولت بیزوال بواسطه آنها بود و امروز
آنها در خاک متعلقه بدولت علیه عثمانی هستند تا در آنجا اقامت دارند ✦

باید خسارتی از آنها باینطرف نرسد و اگر برسد اولیای آن دولت
منع و تحذیر کنند و اگر منع پذیر نشوند دست از تصاحب آنها بردارند
و از تاریخ این معاهده مبارکه من بعد هر وقت این دو طایفه کلاً او بعضاً
بالطوع والرضا عزم مراجعت بولایات ایران نمایند از دولت علیه عثمانیه
بهیچوجه مزاحمت و ممانعت نشود و بعد ما که بخاک آنطرف داخل شدند
اگر خواهند که باز باینطرف راجع شوند از آن دولت قبول نکنند
و راه ندهند و اصلاً و قطعاً تصاحب ننمایند و در حال اقامت اینحدود
هر خسارتی باینطرف رسانند اولیای آن دولت در کمال دقت زجر
و منع کنند و دست اقتدار آنها را از ارتکاب اعمال ناشایست قطع سازند
ماده رابعه تصاحب فراری از دو جانب موقوف باشد

خصوصاً از عشایر اکراد که زیاده منشاء فتنه و فساد شدند و باید فراری
آنها را از هیچ طرف راه ندهند **ماده خامسه** اموال و اسباب کسبه
و تجار ممالک ایران که در دارالسلطنه اسلامبول و مدینه ارزنة الروم
و سایر بلاد محفوظ و موقوف است موافق ثبت دفتر و معرفت شرع
انور باستحضار الچیان دولت قاهره ایران بی کسر و نقصان تسلیم
صاحبان شود و سوای اموال محفوظه مزبوره اموال و اسبابی که بعضی
از وزرا و ضابطان وغیره هنگام وقوع خصومت من الجانبین از تجار
و حجاج و عابرین سبیل ایرانی جبراً گرفته و بغصب و تعدی ضبط
نموده اند هرچه صاحبان اموال یا وکلای آنها تعیین کنند
و تعلیم دهند در هر محل که باشد بعد الثبوت الشرعی بحکم و فرمان

دولت رد و تسلیم شود و من بعد بحکم اتحاد دو دولت علیه
و جهه جامعه آلمانیه اولیای حضرتین با اهالی مملکتین اعم از تاجر و زایر
و ساکن و سایر ایشان معامله و سلوک نموده در بلاد و منازل
و طرق و شوارع از هر نوع ایذا و اضرار و هر گونه بیحساب
و ناصواب محفوظ و مصون و مرفه و مامون باشند و در باب گمرک
مال التجاره اگر صد چهار مطالبه شود باید در تشخیص قیمت زیاده
روی نشود و تا آخر مملکت ایران متاع هیچ جا هیچ چیز بهیچ اسم و
رسم نگیرند دیگر معامله هیچ جنس بر خلاف شرع منحصر بیک شخص نباشد
و هر کس هر متاعی دارد موافق حکم خدا مختار بیع و شری باشد
مادهٔ سادسه در ممالک طرفین از اهالی مملکتین هر کس متوفی شود

اگر وارث و وکیل و وصی شرعی حاضر نداشته باشد و امین معتمدی
هم از ان دولت حاضر نباشد مامورین بیت المال ترکه همان متوفی را
بمعرف شرع دفتر کرده بثبت سجل شرعی رسانند و آن مال بعینه
در محل مامن تا مدت یکسال حفظ نمایند و بدولت اعلام و خبر کنند
تا وارث یا وصی یا وکیل شرعی بیاید و بموجب ثبت سجل شرعیه اشیاء
متروکه تسلیم او شود و رسوم عادیه و کرایه محل آن اشیا باید داده شود
و آن اشیا اگر در مدت مذکوره حریق شود یا بوجهی که منافی شرع نباشد تلف
گردد ادعای آنرا نباید کرد و اگر در مدت یکسال وارث و وکیل و وصی
نرسد مامورین بیت المال ترکه محفوظه را باطلاع معتمد دولت علیه ایران فروخته
ثمن آنرا حفظ نمایند و بعد از تسلیم قبض بگیرند **مادهٔ سابعه** برای مزید وفاق

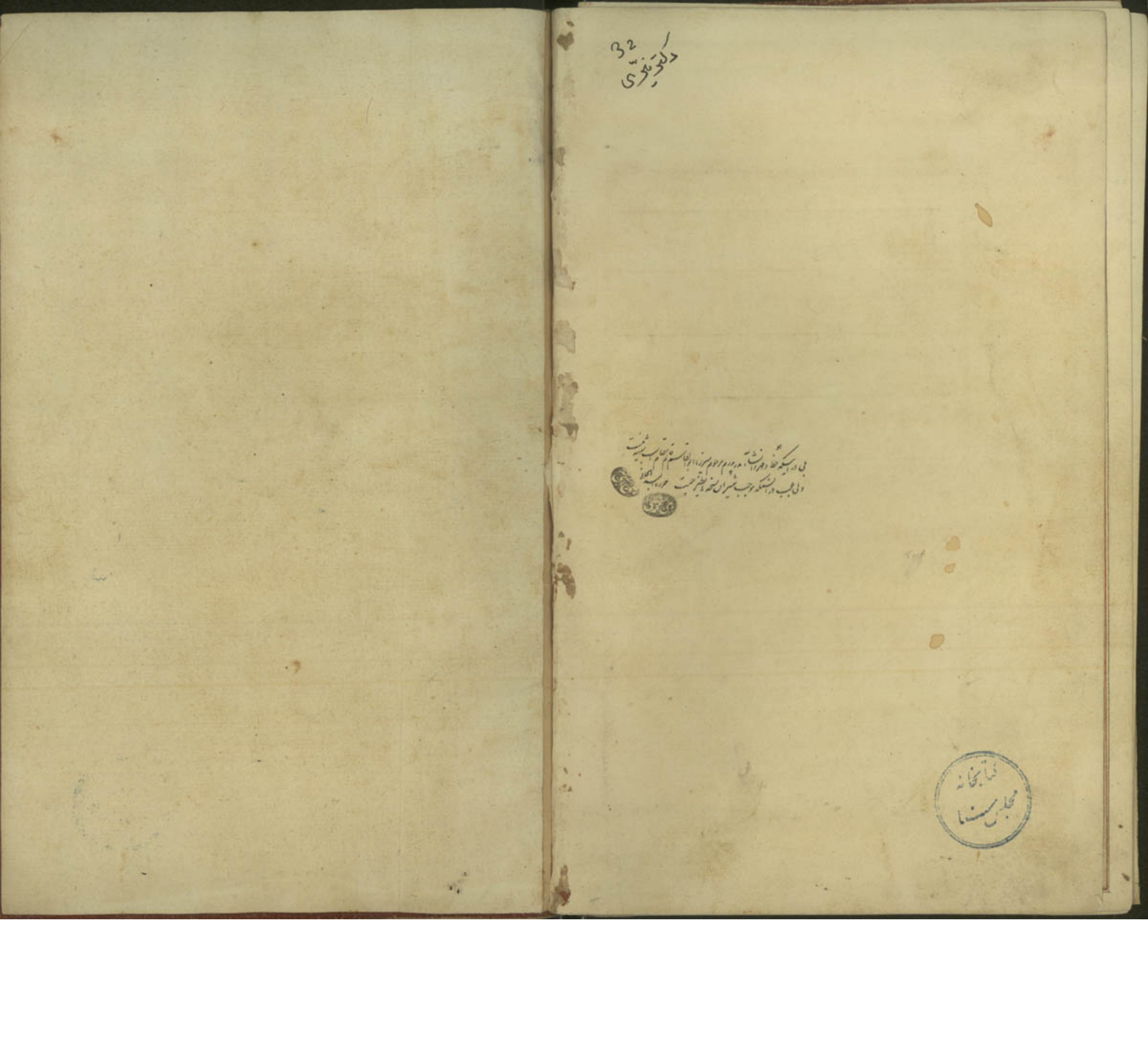


حضرتین و اجرای شروط بین الدولتین هرچند گاه
معتمدی تعیین شود و نوعی در آستانه دولتها اقامت
ورزد که در سلک تبعه همان دولت محسوب گردد و [illegible]

بپاداش این نعمت که حق سبحانه و تعالی بار دیگر کلمه
اهل اسلام را متفق ساخت و خصومتها بخصوصیت مبدل گردید
جرایم و معاصی هر مجرم و عاصی که بواسطه همین محاربات
اتفاقیه در آستانه دولتهای علیه بثبوت رسیده باشد
باید بعفو کریمانه و صفح ملوکانه مقرون شود و بهیچ وجه
درصدد معاتبه و مواخذه برنیایند و هرچه در زمان عداوت

بین المملکتین از مقوله ضایعات و منهوبات و مصارف چه باشد
باید باغماض خسروانه بگذرد و ادعایی درین مواد از هیچ طرف
نشود مضی مامضی باشد تا که نوبت صلحیت و دوستی و غایت بسر آمد که
گوییم از آنچه رفت و حکایت مِنَ الیوم تعاملنا و نطوی ماجری منا
فلا کان و لا صار و لا قلت و لا قلنا و السلام خیر ختام

فصول این معاهده مبارکه که اعظم از اساس شروط و مواد
[illegible]


32
کتابخانه مجلس سنا

